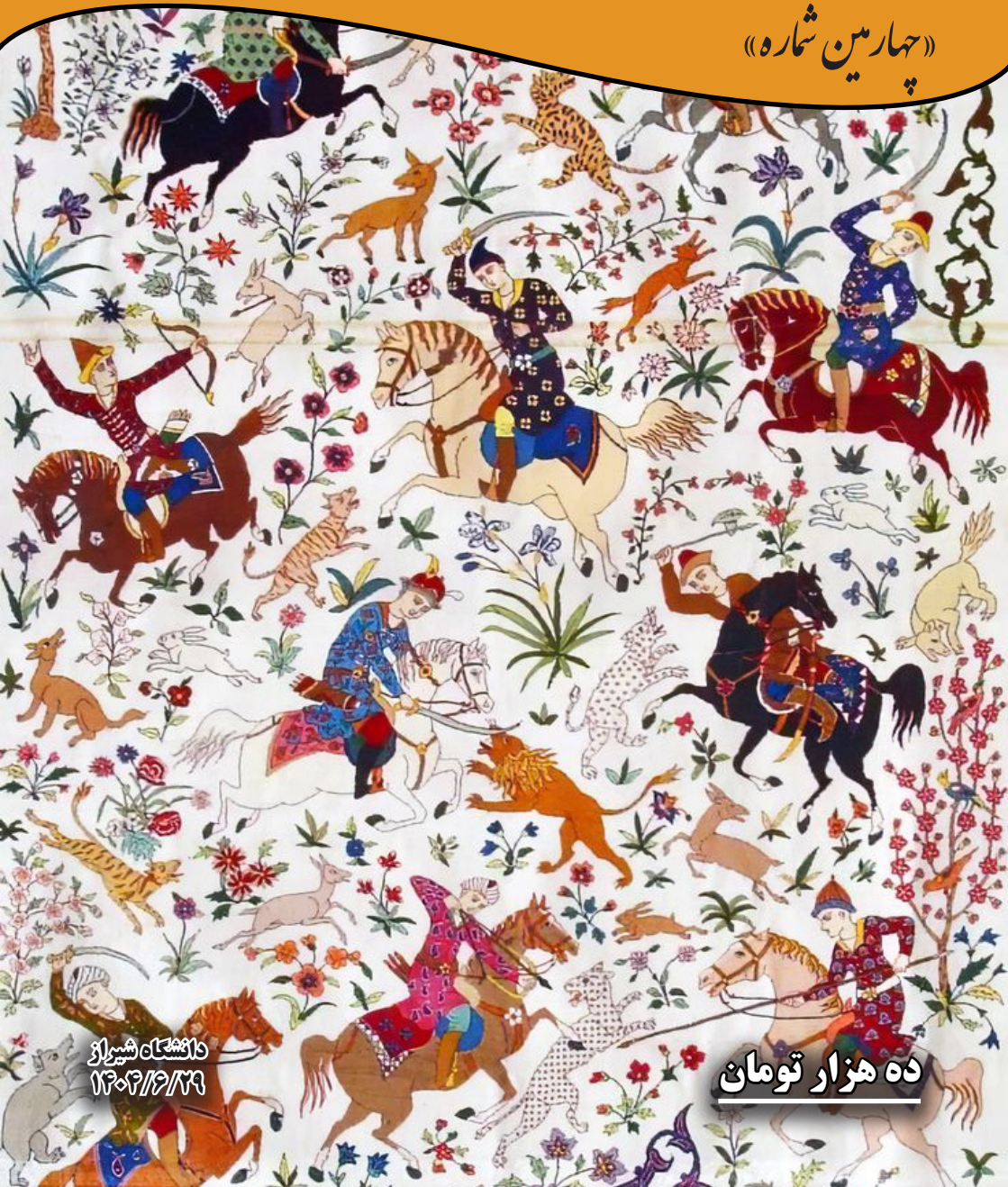




نشریه مستقل دانشجویی «ایران جاودان»

«چهارمین شماره»



دانشگاه شیراز
۱۳۹۶/۶/۲۹

ده هزار تومان

۳..... سخن نخستین

(به قلم سرور سهیل پارساتبار، از شیراز)

۴..... میهن در آتش

(به قلم سرور کیان باقری اصل، از ارومیه)

۶..... جریانی از ادبیات

(به قلم بانو غزل اسفندیاری، از شیراز)

۹..... ملی‌گرایی سیاسی و حقوقی

(به قلم سرور سهیل پارساتبار، از شیراز)

۱۰..... درفش کاویانی (کویانی)

(به قلم سرور حسین کاظمی)

۱۲..... فلک الافلاک

(به قلم سرور ف.ب، از اصفهان)

۱۶..... شهریورگان

(به قلم سرور آراد بامداد، از تهران)

۱۸..... بررسی چالش‌ها و فرصت‌های زنان در رهبری سیاسی

(به قلم بانو الهه غیبی، از کوه‌رنگ)

سخن نخستین

انگار همین دیروز بود که شماره‌ی نخست نشریه‌ی ایران جاودان را با ذوق و شور فراوان در دست داشتم و به توزیع آن در بین علاقه‌مندان مشغول بودم. اکنون به شماره‌ی چهارم رسیدیم. در این مدت دو ویژه‌نامه و سه شماره‌ی اصلی منتشر کردیم که نسخه‌ی مجازی آنها در کانال تلگرام انجمن قابل دسترسی و مطالعه است. شماره‌ی نخست برای ما قدمی بزرگ بود. کاری سرشار از ابهام و شک! آیا اصلاً توانایی نوشتن را داریم؟ آیا حتی اگر بنویسیم کسی می‌خواند؟ سیلاب شک و تردید اذهان ما را در می‌نوردید و به امید و عزم امان نمی‌داد. تا که در انتها، عزم خود را جزم کرده و به این نتیجه رسیدیم که «ارزش امتحان کردن را دارد» و این شد شروع مسیری که اکنون در آن قرار داریم. چه بسیار دوستانی که از طریق نشریه با ما آشنا شدند و ما از مطالب و یاری آنها استفاده کردیم و چه بسیار کسانی که حداقل چند دقیقه‌ای از روزشان را با نشریه‌ی ما گذراندند. نشریه‌ی ایران جاودان، فرای مطالبی که درون خود جای داده است به ما چیزهای بسیاری آموخت. به عنوان مثال؛ همیشه ترس شروع یک کار یا مسیر جدید، از ترس حین کار بیشتر است. یا اینکه قدرت در فعالیت گروهی و همدلی است و اگر در پس کاری نیت خوبی باشد و عزم افراد همراهش باشد؛ این کار بدون شک موفقیت آمیز است. اما هر عزمی ممکن است روزی به دام کاهلی و سرخوردگی بیفتد. با توجه به وضعیت کشور و آنچه بین این شماره و شماره‌ی پیشین رخ داد. راستش را بخواهید قلم هیچکدام از دوستان رمق نقش زدن بر روی کاغذ را نداشت. وضعی که پیش آمد. تحقیر کامل بود. از جنگ دوازده روزه بگیری که جای بحث بسیار دارد. تا حساسیت نهادهای دانشگاه روی نشریه‌ی ما و کارشکنی‌هایی که صورت گرفت. اما مهر میهن و لطف شما گرامیان، روحی تازه در کالبد کم جان نشریه‌ی ایران جاودان دمید. بقول ایرج میرزا، «دگر باره مهار از دست در رفت، مرا دیگ سخن جوشید و سر رفت.» از این درد و دل دوستانه که بگذریم، باید به موضوعی مهم اشاره کرد. نظرات شما همواره رهنمای ما برای بهبود نشریه است. از ما نظرات و انتقادات ارزشمند خویش را دریغ نکنید. امیدوارم از مطالعه نشریه‌ی شماره‌ی چهار ایران جاودان لذت ببرید

میهن در آتش

آیا باید ایران خاکستر شود تا دل کسی به حال این میهن پرمهر و زیبا بسوزد؟ این سوالیست که همواره مرا آزار می‌دهد. دیگر چه باید بشود تا کمی فردی در این کشور به فکر خدمت به مردم و پاسداری از میهن باشد؟ دیگر چه می‌تواند بشود؟ قطعی آب در کشور به اعتراف رئیس سازمان صدا و سیما، از دو ساعت به دوازده ساعت در بعضی نقاط رسیده است. مهدی مهبیایی؛ معاون استاندار گلستان هم از قطعی دوازده ساعته‌ی آب در این استاد خبر می‌دهد. البته در مکان‌هایی که به شبکه‌ی آبرسانی متصل اند. چون در همین استان چهل روستا هنوز به شبکه‌ی آبرسانی متصل نیستند! در استان گیلان که از پرآب ترین استان‌های کشور است نیز بحران آب بی‌داد می‌کند. آب منازل به مدت چند روز مداوم قطع شد تا اینکه در ۷ مرداد هزاران تن دست به اعتراض زدند. کارمان شده است اعتراض. اعتراض به اقتصاد، سیاست، اجتماع و هزاران موضوع و تیر دیگر تا انتهای نشریه می‌شود این لیست را ادامه داد. قطعی برق هم که موضوع پیش‌پا افتاده‌ای است. همگی ما به دو ساعت محرومیت از برق (گاهی همراه با قطعی آب) عادت کرده ایم. در صورتی که اگر کشوری دیگر از چنین ظرفیت‌های طبیعی و محیطی برای تولید برق برخوردار بود نه تنها هیچگاه حتی امکان قطعی برق در آن کشور وجود نداشت، بلکه به یکی از بزرگترین تولید کنندگان انرژی تبدیل می‌شد. گویی افرادی خاص عزم کرده‌اند و قسم خورده‌اند تا منابع این مرز و بوم را هدر دهند و به هر روشی از توسعه و پیشرفت این ملت جلوگیری کنند. گوش همه‌ی ما از این کمبودها و انتقادات پر است. اما افرادی چنان رفتار می‌کنند که گویی اینها یاوه‌سرایست یا توهمات یکی دو نفر خبرنگار یا تحلیل‌گر سیاسی است. کسی حق ندارد به این موضوعات اشاره کند. اگر هم بکند، شماره‌ای ناشناس با موبایل وی تماس گرفته و هشدار می‌دهد که از پخش واقعیات خودداری کند. همانطور که ما تجربه‌اش کردیم. نه آقا کار از تهدید با تلفن و ... گذشته است. گیریم صدای چند روزنامه و نشریه را نیز ساکت کردید. چه چیزی گویاتر و چه صدایی رساتر از آنچه که مردم در زندگی روزمره می‌بینند وجود دارد؟ قیمت‌های باورنکردنی اجناس، کمبودها، قطعی‌ها و برخورد خشن با منتقدان خود صداییست که بی‌هیچ تلاشی به گوش مردم می‌رسد. مارا ساکت کردید؛ این موضوعات که به روشنی روز هستند را چگونه می‌خواهید پنهان کنید؟ آتش خشم ملت را چطور می‌خواهید

خاموش کنید؟ تاریخ برای مردم دانا منبع عبرت است و پند و سوال اینجاست که چرا گوش و چشم بعضی افراد نسبت به پند و عبرت کر و کور است؟ همه چیز را نمی‌شود در این نشریه گفت و با توجه به ملاحظات و موضوعات پیش آمده، ناگزیریم که بخش‌های سیاسی را کوتاه‌تر بنویسیم تا شاید نشریه بتواند به روال عادی خود ادامه دهد. موضوع روشن است، همچون آینده‌ای که در انتظار ماست.

جریانی از ادبیات

جریان ادبی یا مکتب ادبی به دسته ای از رویکردهای ادبی اطلاق می گردد که در یک بازه ی زمانی معین، توسط جمعی از شاعران و نویسندگان مورد استفاده قرار می گیرد که شامل ویژگی های مشترک در جهان بینی است. ما در شماره های پیشین نشریه، به انحراف ادبیات پارسی و عواملی که بر آن تاثیر گذاشته، و همچنین چگونگی پیشگیری از این مسئله پرداختیم. در این شماره از نشریه قرار بر این شد که جریان های ادبی معاصر ایران را مورد بررسی قرار دهیم. این جریان ها گاهاً در تقابل با جریان های پیش از خود یا تحت تاثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدید می آیند.

مطابق با آنچه که ما از یک جریان ادبی اتخاذ و برداشت می کنیم، می توان گفت که ویژگی های یک مکتب ادبی شامل: سبک و فرم مشترک، مضمون های خاص، زمینه های اجتماعی، پیشگامان شاخص و بیانیه هایی می باشد که بعد نظری دارند. همچون (سوررئالیسم یا رئالیسم سوسیالیستی).

بنده در ادامه ی بحث، به بررسی جریان های ادبی معاصر در کشور خواهم پرداخت. جریان های ادبی معاصر از دهه های گذشته تا به حال، تحت تاثیر تحولات مختلفی شکل گرفته اند. برخی از مهم ترین این جریان ها عبارتند از

۱) شعر نو: این جریان مرتبط با دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی است و با ایجاد تحولی شگرف در شعر معاصر، از سبک کلاسیک فاصله گرفت. شاعرانی همچون: فروغ فرخزاد، احمد شاملو (تخصص در اشعار سپید) و مهدی اخوان ثالث (شعر نیمایی) از چهره های شاخص این جریان به شمار می روند. از نظر من آنچه که در این سبک توجه را به خود جلب می کند، استفاده از زبان محاوره و نگاه همراه با انتقاد شاعر است

۲) ادبیات متعهد: این شیوه دهه های ۴۰ تا ۶۰ خورشیدی را شامل می گردد و بارز ترین مفاهیمی که در آن به چشم می خورد؛ تاثیر نهضت ها و انقلاب ها بر آن و همچنین مضامین اعتراضی و عدالت خواهی است
«شعر زمستان» از مهدی اخوان ثالث و «داستان آدمک» از صمد بهرنگی از نمونه های ادبیات متعهد به شمار می روند. سیمین دانشور، احمد شاملو، محمود دولت آبادی،

هوشنگ ابتهاج و سیمین بهبهانی نیز از نویسندگان برجسته‌ی ادبیات متعهد به شمار می‌روند

۳) ادبیات مهاجرت: از دهه ۶۰ به بعد مشاهده شده و شامل آثاری می‌شود که صرفاً (نویسندگان ایرانی) در مهاجرت یا تبعید نوشته اند و به گونه‌ای می‌توان گفت که خاطرات پدیدآورندگان را در بر می‌گیرد. درون مایه‌ی غم از غربت، بحران هویت و میل به یادآوری ایران در ادبیات مهاجرت برجسته است. ابوتراب خسروی (خالق رمان خاله سوسکه) و آذر نفیسی از جمله نویسندگان این جریان هستند و «رمان بوف کور» نوشته‌ی صادق هدایت (نوشته شده در هندوستان) از نمونه‌های ادبیات مهاجرت است

۴) پست مدرن: پست مدرن از دهه ۷۰ به بعد در کشور رایج شد و تحت تاثیر ادبیات جهان که شامل روایات غیر خطی و چند صدایی است، رونق گرفت. عباس معروفی، شهریار مندنی‌پور و رضا قاسمی در این جریان حضور دارند. «عقاید یک دلکک» از هاینریش بل و «اسفار کاتبان» از ابوتراب خسروی نمونه‌های پست مدرن هستند.

۵) ادبیات زنانه: ادبیات زنانه از دهه ۷۰ تا امروز تاریخ را طی کرده است. زویا پیرزاد، فریبا وفی و سپیده شاملو در این حوزه به دغدغه‌های بانوان و نقد جامعه مردسالار پرداخته‌اند. شعر «پرنده مردنی است» از فروغ فرخزاد نشانگر دغدغه‌مندی این شاعر در بخش ادبیات زنانه می‌باشد.

۶) ادبیات اینترنتی و مجازی: در دهه ۸۰ و ۹۰ خورشیدی شاهد گسترش وبلاگ نویسی و شبکه‌های اجتماعی و تاثیر مستقیم آن بر شکل دهی ادبیات جدید هستیم. ویژگی شاخص این نوع ادبیات، بیان عامیانه و طنز بی پرده است. شاعرانی که در فضای مجازی به فعالیت‌های ادبی می‌پردازند از جمله فعالان عرصه‌ی ادبیات مجازی هستند و داستان‌های کوتاهی که در اپلیکیشن‌های متفاوتی وجود دارد نمونه‌ای از آن محسوب می‌شوند

هر یک از جریان‌های نام برده، بازتابی از تحولات فکری کشور هستند و برخی از آنها تا به امروزه نیز در حال رشد و تکامل می‌باشند. در مطالعه‌ی جریان‌های

ادبی به این مسئله دقت داشته باشید که سبک، مکتب و جریان تفاوت‌هایی با هم دارند. «سبک» شامل ویژگی‌های فردی یک نویسنده خاص؛ «مکتب» شامل جنبه‌های آموزشی و نظام‌مند و «جریان» شامل فعالیت‌های گسترده‌تری چون چند سبک و چند مکتب است. تمایز ویژگی‌های این سه دسته به شما در تشخیص صحیح و بجا در مطالعه تاریخ ادبیات کمک خواهد کرد

ملی‌گرایی سیاسی و حقوقی

در متن پیشین به ملی‌گرایی بر اساس تاریخ مشترک و هویت جمعی حاصل از آن پرداختیم. اما ملی‌گرایی را اگر در یک معنای اقلی، مترادف با «ناسیونالیسم» در نظر بگیریم؛ ملی‌گرایی دارای یک بعد حقوقی و سیاسی نیز می‌شود. بسیاری از همین رو ملی‌گرایی را یک مفهوم سیاسی مدرن می‌دانند. برای درک بهتر این موضوع باید به پیمان وستفالی پردازیم، حکومت‌های اروپایی عضو این پیمان حق حاکمیت بر قلمرو هر یک از اعضا را به رسمیت شناختند. همین باعث بوجود آمدن مفهومی از ملی‌گرایی به معنای مدرن آن بود. مفهومی که باعث می‌شد هر دولت بصورت مساوی در قبال دیگر دولت‌ها دارای حقوق و مسئولیت‌هایی باشد. این شرایط حقوقی، کشور را ملزم به آن می‌کند تا با برقراری حداقلی از شرایط سیاسی و حقوقی برای خود، در راستای پذیرش در جامعه‌ی ملل کوشا باشد. علی‌رغم عنصر مساوات، هر کشوری که توسعه یافته‌تر و از قدرت بیشتری برخوردار باشد؛ احترام بیشتری را کسب می‌کند و در نتیجه آزادی بیشتری برای کنش، حمایت دیگر دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و توانایی بیشتری برای دفاع از شهروندان و منافع خود و ائتلاف‌سازی دارد. ما به عنوان کسانی که حق یک زندگی معمولی و برخوردار از حداقل رفاه را داریم؛ باید در راستای پیشرفت کشور و ایفای نقش خود در این عرصه و آزادی ایران از دست اهریمنان، در هر زمانی و هر شرایطی کوشا باشیم. این حق ما است و کسی این حق را جز خود ما، به ما نخواهد داد. استدلال ملی‌گرایی حقوقی و سیاسی بر این اصل استوار است: «ملت ایران دلسوز خود باشید و برای حق خود تلاش کنید» و این موضوع به همان حقوق حداقلی بر می‌گردد و البته اینکه هر کشوری که توسعه یافته‌تر و از قدرت بیشتری برخوردار باشد؛ توانایی کسب منافع بیشتری را دارد که در اواسط این متن به آن اشاره کردیم. پس حتی اگر به سودمحورترین شکل ممکن، صرفاً یک زندگی مرفه و برخوردار از حداقل لوازم مورد نیاز زندگی را بخواهیم؛ ملی‌گرایی بهترین پاسخ است. این موضوع شاید برای باقی کشورها صادق نباشد اما محیطی که ایران در آن واقع شده و تاریخ تمدن این مرز و بوم، این نکته را همواره یادآور می‌شود که

«هر گاه وطن از یاد ما رفت، ضرر کردیم و زندگی و رفاه ما به خطر افتاد.»

درفش کاویانی (کویانی)

درفش کاویانی؛ نمادی از مقاومت، شکوه فرهنگ ایرانی و عظمت ایران است. کاوه (نماد پهلوانی ایران) هنگامی که مجلس ضحاک را در هم می کوبد، به میان مردم می رود و با پشتیبانی همگانی چرم آهنگری خویش را بر سر نیزه می کند و ندای فریدون می خواند

پوشند هنگام زخم درای	از آن چرم کاهنگران پشت پای
دل از بند ضحاک بیرون کند	کسی کو هوای فریدون کند
پدید آمد آوای دشمن زدوست	بدان بی بها ناسزاوار پوست

و به نزد فریدون می روند و شاه فریدون چون مردم را گرد آن چرم می بیند:

چو آن پوست بر نیزه بر دید کی به نیکی یکی اختر افکند پی

می بینیم که کاوه هیچ نقشی در نگاره درفش ندارد و تنها شاه فریدون «رای فرخ پی می افکند» و بر آن پوست یک یانترای^۱ خورشیدی می نگارد

در ستاره شناسی ایرانی چهار ستاره شاهنشاهی داریم.

۱) ستاره و نند و متن و نند یشت: و نند، ستاره‌ی مزدا آفریده‌ی اَشَوَن، رَد اشونی را می ستاییم. و نند درمان بخش و سزاوار بلند آوازگی را می ستاییم؛ پایداری در برابر خَرَفُستَران راندنی زشت - آفریدگان اهریمنی را که یکسر باید راندشان. و نند، ستاره‌ی مزدا آفریده را درود می فرستم

۲) ستاره هفتورنگ: ستاره هفت تخت پادشاهی و نماد خستره وئیریه، شاهنشاهی آرمانی

۱- یانترا یا سازه واژه‌ای سانسکریت و به معنای سازه، ابزار و دستگاه است. یانترها نمادهایی با کاربرد دینی هستند و منظور از کشیدن آن‌ها نشان دادن جنبه‌های گوناگون الهی است.

۳) ستاره سدویس: ستاره‌ای اورمزدی است که جزء چهار سپاهبد بوده و سپاهبد میروز (جنوب) است و دریاها را به خویشکاری دارد

۴) ستاره تیشتر: ستاره جنگنده برای باران و باران زایی.

چهار پر «درفش کاویانی» نمود این چهار اختر شاهنشاهی هستند که گرد خورشید (خور، سور، هور) هستند و همزمان هم نماد چهار سوی (آستونه) گیتی: فراز، فرود، پاختر و پاختر هستند

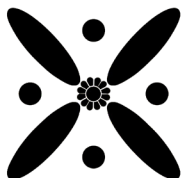
در چکامه‌های^۲ پسین تر شاهنامه می‌آید: (فروهشته از او سرخ و زرد و بنفش). در فرهنگ رنگ شناسی ایران، رنگ‌ها معنای ویژه‌ی خود را دارند که در دانش‌های گوناگون هم از این فرهنگ ایرانی اکنون بهره‌برداری شده

۱) بنفش: بالاترین رنگ است و فرا بنفش نیست، رنگ بنفش در فرهنگ ایرانی رنگ اهورا مزدا است و برای همین رنگ اساسی در دوران هخامنشیان است

۲) سرخ: پایین‌ترین رنگ است و فرو سرخ نیست، این رنگ ایزد تیشتر و امشاسپند امرداد هست که امشاسپند نامیرایی و جاودانگیست

۳) زرد: رنگ میانی، رنگ خور و امشاسپند خستره وئیریه، امشاسپند پادشاهی آرزو شده یا پادشاهی نیک است که در فرمانروایی ایرانی منشا مشروعیت و سازندگیست چنین بود که این نشان همیشه تا دوران ساسانی در ارتش شاهنشاهی بهره‌برده می‌شد

دانسته می‌شود این نشان در سرشت خود ایرانگرایی، جنبش و خیزش را می‌سازد.



فلک الافلاک

نخست، پیش از آنکه راجب دژ شاپورخواست سخن خود را آغاز بنمایم، باید درباره‌ی شاپورخواست سخنی را عرض کنم. این شهر یکی از شهرهای مهم در دوره ساسانی بوده که در جایگاه کنونی شهر خرم‌آباد واقع در استان لرستان وجود داشت. همانطور که از نام این شهر نمایان است؛ شاپورخواست به دستور شاپور یکم بر ویرانه‌های شهر عیلامی خایدالو ساخته شد. در متون تاریخی از شاپورخواست به عنوان شهری آباد و مرکز حکومت یاد شده است که مسیر راه‌های باستانی مهم از همدان به خوزستان بوده است. همینطور در نسک‌هایی مانند «البلدان» و آثار «جوینی»، «ابن فقیه» و «مستوفی» در مورد آن سخن گفته شده و حتی فردوسی بزرگ در بخش شاپور ذوالاكتاف شاهنامه، از آن می‌گوید. اما طبق گفته برخی افراد این شهر در قرن هشتم هجری دچار افول شد و به دلیل خشک شدن نهر اصلی، مردم آنجا را ترک کردند که بعدها «خرم‌آباد» بر پایه‌ی دژ ساسانی فلک الافلاک ساخته شد

دژ شاپورخواست (فلک الافلاک) یکی از شگفت‌انگیزترین و خیره‌کننده‌ترین آثار تاریخی کشورمان است که بر فراز تپه‌ای باستانی و طبیعی در مرکز شهر خرم‌آباد واقع شده است. طراحی دفاعی این دژ به گونه‌ای بوده که برج‌ها و دیوارهای آن با شیب به سمت تپه ساخته شده‌اند تا در صورت یورش دشمن، نگهبانان بتوانند از بالای دیوارها تیر، نیزه، سنگ و حتی مواد مذاب یا آب جوش را بر سر مهاجمان بریزند. یکی از برج‌های شمالی دژ در سال ۱۳۲۸ خورشیدی فرو ریخت و توسط ارتش بازسازی شد و برج جنوب‌غربی نیز در دوره‌ای تخریب و توسط وزارت فرهنگ و هنر وقت، که امروزه با عنوان سازمان میراث فرهنگی شناخته می‌شود، مرمت گردید. این دژ دارای ۸ برج و دو حیاط مستطیل‌شکل و پلان کلی آن به صورت هشت‌ضلعی نامنظم (برخی منابع نیز آن را پنج‌ضلعی ذکر کرده‌اند) طراحی شده است. مساحت کلی دژ ۵۳۰۰ متر مربع و بلندترین دیوار آن تا سطح تپه ۲۲.۵ متر ارتفاع دارد. مصالح اصلی به کار رفته در ساخت دژ شامل خشت، آجرهای قرمز بزرگ، سنگ و ملات می‌باشند. سیستم هوشمندانه تهویه طبیعی هم در این دژ به کار برده شده که با قرار گرفتن دژ بر فراز تپه باعث خشک نگه داشتن پی‌ها و سازه داخلی دژ شده و در محیط مرطوب خرم‌آباد، از آسیب‌دیدگی مصالح سنتی مانند خشت و چوب جلوگیری کرده و باعث شده که سالیان سال

این دژ سالم بماند. این موضوع، به‌ویژه با توجه به رطوبت بالای منطقه، شاهکاری در معماری باستانی ایران به حساب می‌آید. ورودی دژ در بخش شمالی و در بدنه‌ی برج جنوب‌غربی با عرض ۱۰ متر و ۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع سه متر قرار دارد. در حیاط اول دژ، چاهی با عمق ۴۲ متر و در حیاط دوم گریزگاه اضطراری وجود دارد که از نکات جالب توجه این بنا به‌شمار می‌روند. بنای اولیه‌ی این مکان که به دوران شاپور اول ساسانی در قرن سوم میلادی نسبت داده می‌شود، در دوره‌های بعدی خصوصاً صفویه و قاجاریه دستخوش پیوست‌ها و تغییراتی شده است. تا حدود صد سال پیش، بارویی دوازده‌برجی پیرامون دژ وجود داشت که اکنون تنها آثار آن در بخش شمال‌غربی قابل مشاهده است. این بنای عظیم از زمان ساسانیان تاکنون کاربری‌های مختلفی نظیر مقرحکومتی «آل حسنویه» در قرن چهارم هجری، خزانه سلطنتی، پادگان نظامی، زندان سیاسی و هم‌اکنون موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی داشته است.

از جمله قسمت‌های مهم دژ، موزه مردم‌شناسی و باستان‌شناسی آن است که با استقبال فراوان گردشگران روبه‌رو شده‌اند. در موزه‌ی مردم‌شناسی تصاویر و ماکت‌هایی از آداب و رسوم زندگی عشایر و روستاییان منطقه لرستان و همچنین سنگ‌قبرهایی با حکاکی‌های خاص از زندگی متوفیان وجود دارد. در موزه‌ی باستان‌شناسی نیز آثار مفرغی، سفالی و سنگی متعلق به هزاران سال پیش از میلاد به نمایش گذاشته شده‌اند. همچنین در یکی از سالن‌ها، مجسمه‌هایی از اساتید کارهای سنتی مانند قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، سیاه‌چادر و... وجود دارد. در سالن موسیقی نیز سازهای قدیمی مردم لر به نمایش گذاشته شده و فیلم‌هایی کوتاه از رسوم منطقه پخش می‌شود. شاپورخواست با نام‌های مختلفی چون «سابرخواست»، «دزبر»، و «قلعه خرم‌آباد» در منابع تاریخی یاد شده و نام «فلک‌الافلاک» از دوران قاجاریه بر آن نهاده شده است. واژه فلک‌الافلاک در لغت به معنی «سپهر سپهران» یا «فلک نهم» است که برانزنده چنین بنای باشکوهی می‌باشد. از ویژگی‌های معماری دژ می‌توان به قرارگیری آن بر روی صخره‌های سنگی و اشراف کامل به دره‌ی تاریخی خرم‌آباد اشاره کرد. ۸۸۳، شماره ثبت این دژ در فهرست آثار ملی ایران است و اکنون به عنوان موزه و مرکز فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرح ثبت جهانی این اثر در دستور کار سازمان میراث فرهنگی قرار دارد و آزادسازی حریم آن نیز یکی از برنامه‌های مهم دولت برای توسعه گردشگری در منطقه محسوب می‌شود. در راستای این هدف، اقداماتی نظیر تخریب کانون اصلاح و تربیت، ۳۹ باب مغازه و بخشی از ساختمان ارتش صورت گرفته اما دانشگاه لرستان

هنوز اقدام به آزادسازی ساختمان‌های خود نکرده است. در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۸۹ بیش از ۲۱ میلیارد تومان برای آزادسازی حریم این دژ در نظر گرفته شده و سازمان میراث فرهنگی قصد دارد موزه‌های جدیدی در این حریم احداث کند. در حال حاضر، تنها ۸ برج از ۱۲ برج اولیه دژ باقی مانده‌اند. چهار برج در چهار گوشه حیاط اول قرار گرفته‌اند که حمام دژ نیز در همین بخش ساخته شده است. چاه عمیق دژ با برشی به چشمه کنار تپه متصل شده، که احتمال وجود یک قنات زیرزمینی را برای تأمین آب شرب دژ را تقویت می‌کند. این چاه با عمق بیش از ۴۰ متر به صورت عمودی حفر شده و انتهای آن به چشمه‌ای به نام «گلستان» می‌رسد که در زیر تپه جریان دارد. در سفرنامه‌ای از دوره قاجار درباره این چاه آمده است: «در وسط قلعه چاهی است که دهانه‌اش سه گز عرض دارد. سنگ‌ها را بریده‌اند تا آب چشمه‌ای را که در پایین تپه جاری‌ست، به داخل چاه هدایت کنند. آب برای مصرف ساکنان دژ، باغ و حمام استفاده می‌شده و بسیار پرهزینه اما مفید بوده است.» در حیاط دوم نیز چهار برج در چهار طرف آن ساخته شده‌اند و تالارها و اتاق‌های متعددی پیرامون حیاط را فرا گرفته‌اند. تالارهای موجود در دژ به موزه باستان‌شناسی تبدیل شده‌اند و آثار به‌دست آمده از کاوش‌های علمی و یا ضبط شده از حفاران غیرمجاز در آن به نمایش درآمده‌اند. برخی از این آثار از «غار تاریخی کلماکره» کشف شده و مربوط به دوره هخامنشی هستند و بخشی از موزه به نمایش مراسم فرهنگی و آیین‌های بومی اختصاص یافته است که شامل عزاداری‌ها، پخت نان‌های محلی و پوشش سنتی مردم لر می‌شود. به دلیل موقعیت استراتژیکی و قرارگیری این قلعه بر فراز شهر، از گذشته‌های دور تاکنون همواره محل استقرار نیروهای حکومتی بوده است و در زمان پهلوی نیز به عنوان پادگان نظامی و زندان سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. محیط پیرامون قلعه نیز دارای جاذبه‌های تاریخی و طبیعی متعددی است؛ از جمله مناره آجری، گرداب سنگی، پل شاپوری و آسیاب گبری که همگی در شعاع کمتر از پنج کیلومتر از قلعه قرار دارند. از دیگر جاذبه‌های اطراف می‌توان به «دریاچه کیو» اشاره کرد که از مقاصد تفریحی مردم محلی و گردشگران است. برای دسترسی به قلعه کافی‌ست وارد خیابان امام خمینی (خیابان ۱۲ برجی یا خیابان ساحلی) در مرکز خرم‌آباد شوید. این قلعه دارای پارکینگ اختصاصی، سرویس بهداشتی، چایخانه سنتی و رستوران است و یکی از دلایلی است که مورد استقبال گسترده مسافران قرار گرفته است. زلزله‌های اخیر در منطقه موجب آسیب به قسمت‌هایی از دژ شده‌اند، به‌ویژه ترک‌هایی به عمق سه متر در برخی دیوارها ایجاد شده که

هنوز ترمیم نشده‌اند و همین موضوع باعث شده تا دغدغه پاسبانی و مرمت این یادواره تاریخی بیش از پیش اهمیت پیدا کند. این مکان نه تنها به‌عنوان بنایی تاریخی بلکه به‌عنوان بخشی از کیستی فرهنگی و ملی مردم ایران شناخته می‌شود. یادمان باشد که اجدادمان نابغه‌هایی در زمان و دوران خود بوده‌اند و ما نیز باید پیرو راه اجدادمان باشیم و ایرانی بودن را زنده نگهداریم! معماری بی‌همتا، موقعیت مکانی ویژه، پیوند آن با رویدادهای تاریخی و جلوه‌های فرهنگی موجود در آن باعث شده تا این سرا لقب «شاهکار مهندسی و مهندسی جهان» را از آن خود کند و ثبت جهانی آن به‌عنوان میراث بشری در دستور کار سازمان‌های فرهنگی ایران قرار گیرد

شهریورگان

فرهنگ غنی و دیرینه‌ی ایرانی مملو از رخدادهای دلنشین و نغز است. یکی از این رویدادها «شهریورگان» نام دارد. در ایران باستانی هر کدام از روزهای هر ماه نیز دارای نامی بخصوص برای خود بودند و یک روز در هر ماه، نامی یکسان با همان ماه داشت. در تقویم زرتشتی چهارمین روز از هر ماه «شهریور» نام دارد و روز شهریور در ماه شهریور، زمانست که ایرانیان به آراستن جشن «شهریورگان» می‌پرداختند. منابعی که از دوران باستان درباره‌ی این جشن فرخنده برای ما به یادگار گذاشته شده اند بسیار کم هستند و پرداختن به این جشن به همین دلیل بصورت جزئی دشوار است. «نشریه‌ی چیستا» به سردبیری و بنیان‌گذاری «پرویز شهریاری» با بررسی متون زرتشتی در شماره‌ی نخست و یازدهم خود به این جشن می‌پردازد و این نشریه از محدود منابعی است که می‌توان به آن برای بررسی این جشن استناد کرد. برای بررسی این جشن نخست باید به نام آن پردازیم.

واژه‌ی شهریورگان مرکب از دو بخش است؛ «خستره» به معنای شایستگی و الهی بودن و «وئیریه» به معنای باور و نیرو، ترکیب این دو واژه به معنای «نیرو یا باور الهی و شایسته» است. این باور الهی و شایسته که ایرانیان آن را گرمی می‌داشتند، در این ماه ایزد شهریورگان بود که ایزد فلزات و فلزکاران و آهنگران شناخته می‌شد. در نشریه‌ی چیستا با استناد به متون زرتشتی، مکالمه‌ای از زرتشت با اهورامزدا و امشاسپندان شهریور نوشته شده که بدین صورت است.

امشاسپند شهریور:

«می‌آیم با نیمی از نسیم و نیمی از فراوانی فلز، هر رازی را قفلی، هر زمینی را گاواهنی و هر دستی را دشنه‌ای، شاید که صبحدمان آزادی از چهار جانب جهان وزیدن گیرد. من فرمانروای فلزهای فراوانم و هر حلقه‌ی عقدی که بسته می‌شود بنام من است. عریانتر از بشارت آزادی، شکوه شکفتن پیغامی ست که جهان را گرمی و نور می‌بخشد. من فرمانروای فلزهای فراوانم و اینجا را دیگر درنگی نیست، تنها نباید به فکر حلقه‌ی عروسی بود، دشنه‌ی تلخی نیز باید محیا کرد. جبهه‌ی جنون ظلمت و نور، مهیای میدان است و در نو شدن زخم، اگر که حرف دهان عشق محرم این گفتگو باشد؛ دیگر هیچ وسوسه‌ای آتش نخواهد افروخت، یگانه با اتحاد جبهه‌ی خلق است که شب طلبان اهریمنی به طیران مرگ می‌افتند، پس متحد شوید، ای عاشقان آزادی»

و در پاسخ وی زرتشت می گوید:
«آری؛ این است همان که گفتم».

با نگاهی ظریف به این مکالمه‌ی معنوی کوتاه، هر مخاطبی که کمی با متون پارسی آشنایی داشته باشد، به وجود مفاهیمی در اشاره به خویش کاری و دوالیته‌ی ایرانی پی می‌برد. اکنون که ریشه‌های آیین شهریورگان برای ما شفاف تر است؛ بهتر است به نحوه‌ی آراستن جشن و آنچه در این جشن رخ می‌دهد پردازیم.

امروزه تنها عده‌ای محدود از زرتشتیان در کرمان، این جشن را به صورت محدود اجرا می‌کنند. این جشن یکی از جشن‌های دوازده گانه‌ی سال است. در این جشن مردمان در خانه‌هایشان آتشی افروخته و پس از نیایش و ستایش پروردگار، گرد هم جمع آمده و این روز را با صرف خوراکی در کنار یکدیگر جشن می‌گرفتند. از سویی دیگر و با توجه به صفات پاک فرشته شهریور که نماد شایستگی و نیروی الهی است، مردم این روز را با احسان و اطعام فقرا و حضور و عرض تبریک و شادباش، در پیشگاه پادشاهان که نماینده سلطنت آسمانی‌اند، می‌گذراندند

بسیاری این روز را بدلیل اشاره به پادشاه و مفهوم شایستگی؛ مربوط به پادشاه شایسته و آرمانی می‌دانند و از اینرو این روز را «روز پدر» در ایران باستان می‌دانند. باید توجه کرد که آیین‌های باستانی ایرانی، حاصل کوشش اجداد ما برای هماهنگی و همگرایی بیشتر با طبیعت و ساختار اجتماعی و قدرت بوده‌اند و با در نظر گرفتن این مفهوم باید به آنها نگرست. این جشن مرتبط با گرما و آتش است، در ماهی که یکی از گرم‌ترین ماه‌های سال است. این دو بی‌شک به هم مرتبط‌اند و اجدادمان سعی داشته‌اند که این گرما را با میوه‌هایی که فقط در این فصل به واسطه‌ی گرما وجود دارد؛ تکریم کنند. عوامل و نکات بیشتری نیز وجود دارد که از حوصله‌ی این متن خارج است و ذوق مخاطب را برای پردازش بیشتر می‌طلبد. هویت ایرانی با رسوم آن زنده است و این رسوم را در گوشه گوشه‌ی ادبیات، معماری، هنر و ... می‌توانیم ببینیم. اینها نشانه‌هایی از آنچه که هستیم را به ما نشان می‌دهند و مارا در شناخت خویش یاری می‌دهند. خودمان را بشناسیم، یا جامع تر بگویم، وطن را و فرهنگمان را بشناسیم

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های زنان در رهبری سیاسی

زنان در دنیای امروز به عنوان نیمی از جمعیت، نیازمند حضور فعال‌تری در عرصه‌های سیاسی هستند. رهبری سیاسی زنان نه تنها به نفع آن‌ها بلکه به نفع کل جامعه است. با این حال، زنان در مسیر دستیابی به رهبری سیاسی با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. در این نبشته به بررسی این چالش‌ها و همچنین فرصت‌های موجود برای زنان در رهبری سیاسی می‌پردازیم.

یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی زنان در رهبری سیاسی، سنت‌ها و باورهای فرهنگی است که رهبری را غالباً مختص مردان می‌داند. در بسیاری از جوامع، زنان هنوز هم به عنوان «دومین» جنس به حساب می‌آیند و این نگرش می‌تواند به عدم پذیرش آن‌ها در موقعیت‌های رهبری منجر شود. همچنین دسترسی ناکافی به آموزش‌های لازم و منابع مالی برای زنان یکی دیگر از چالش‌هاست. در بسیاری از موارد، زنان توسط سیستم‌های آموزشی سنتی از شرایط لازم برای ورود به عرصه رهبری سیاسی محروم می‌شوند. نمونه‌های آنچه گفتیم در کشورهای دور و نزدیک بسیار است؛ به عنوان مثال در کشور همسایه‌ی ما افغانستان، زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم هستند.

در ادامه زنانی که به رهبری سیاسی می‌پردازند ممکن است با قضاوت‌های منفی و انتقادات ناپسند روبرو شوند. این قضاوت‌ها می‌تواند به تضعیف روحیه و اعتماد به نفس آن‌ها منجر شود و آنان را از ادامه راه بازدارد. از جمله چالش‌های دیگر میتوان به ساختارهای سیاسی اشاره کرد، این ساختارها غالباً مردسالارانه هستند و زنان ممکن است در دستیابی به موقعیت‌های کلیدی با موانع تعرض‌زا مواجه شوند. نبود سیاست‌های حمایتی از زنان در بسیاری از احزاب سیاسی، این چالش‌ها را دوچندان می‌کند.

با افزایش آگاهی در مورد حقوق بشر و تساوی جنسیتی، جامعه جهانی به تدریج در حال پذیرش نقش مؤثر زنان در رهبری سیاسی است. این تغییر نگرش می‌تواند به پیشرفت زنان در این حوزه کمک کند.

همچنین تحولات تکنولوژیکی و ظهور رسانه‌های اجتماعی به زنان این امکان را می‌دهد که صدای خود را به گوش دیگران برسانند و از این طریق، کمپین‌های سیاسی و اجتماعی را راه‌اندازی کنند. این ابزارها می‌توانند به ایجاد شبکه‌های حمایتی کمک کنند.

در ادامه میتوان به سازمان‌های بین‌المللی که در حال حاضر به ترویج و حمایت از رهبری زنان کمک می‌کنند اشاره کرد. این حمایت‌ها می‌تواند به تصویب قوانین و سیاست‌های حمایتی در کشورهای مختلف منجر شود که به نفع زنان است. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های توانمندسازی هم می‌تواند به زنان در کسب مهارت‌های لازم برای رهبری سیاسی کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند به تقویت قابلیت‌های رهبری و اعتماد به نفس زنان افزوده و به آنان ابزاری برای کامیابی در عرصه‌ی سیاسی ارائه دهند.

زنان در رهبری سیاسی با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبرو هستند. توانمندسازی زنان، تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی، و استفاده از تجربیات بین‌المللی می‌تواند به تسهیل روند ورود زنان به سیاست و رهبری کمک کند. با تلاش مستمر و همکاری همه‌جانبه، می‌توان به ایجاد فضایی عادلانه‌تر و متوازن‌تر برای زنان در حوزه سیاسی دست یافت.

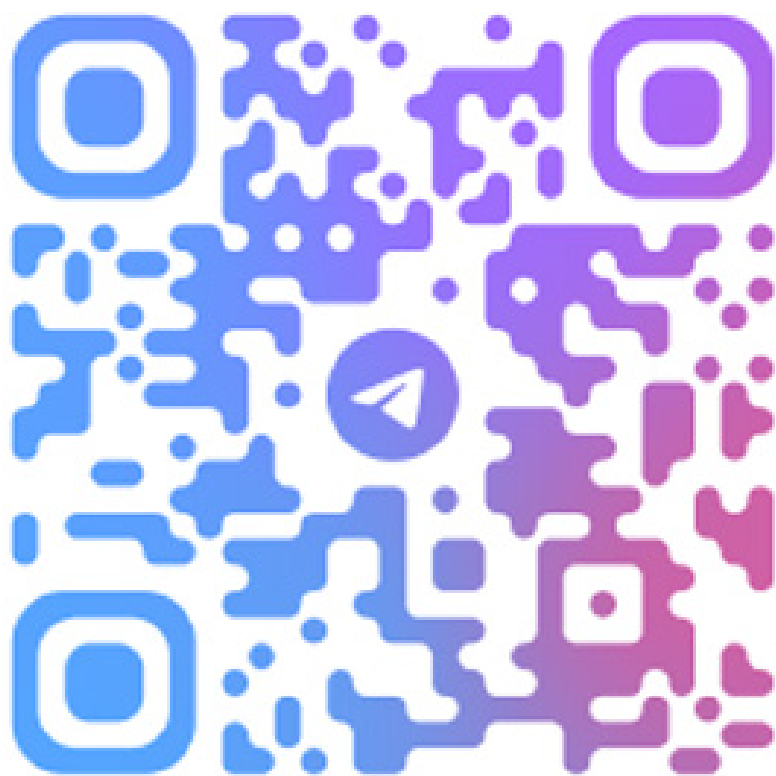
ما اینجا در نشریه‌ی ایران جاودان همواره پذیرای متون شما در موضوعات مربوط به زنان هستیم. باشد که دست در دست یکدیگر با عزمی مثال‌زدنی تبعیض را علیه هر جنس و قومی ریشه‌کن کنیم که نه فقط زنان مورد ظلم واقع می‌شوند، بلکه مردان نیز قربانی موضوعاتی خاص هستند. به یاد داشته باشد؛ برای رسیدن به هر هدفی، قدم‌های کوچک کلیدی‌ترین موضوع مسیر رسیدن به آن هدف هستند.

سپاسگزاریم از کارگاه تابلوسازی مجید که مارا در هزینه‌های این نشریه یاری نمودند.

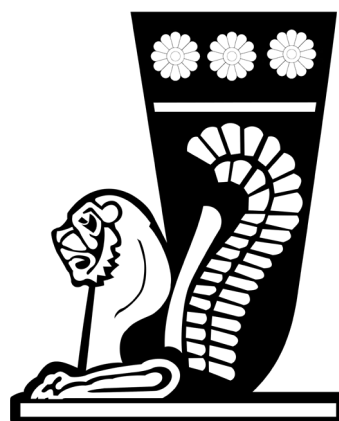
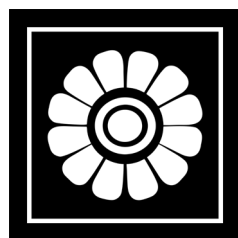
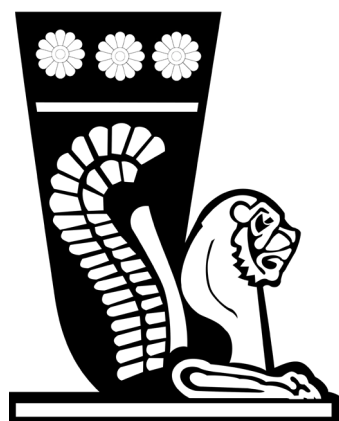
تابلوساز



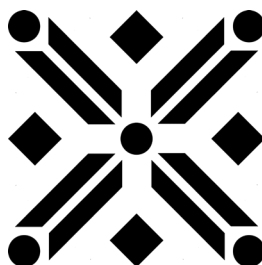
09177006355



@ETERNAL_IRAN_COMMUNITY



مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز: سهیل پارساتبار
طراحی: سهیل پارساتبار
زمینه نشر: تاریخی - سیاسی - فرهنگی - ادبی - اجتماعی
تاریخ دریافت مجوز: ۱۴۰۳/۶/۱۰
شماره‌ی دوم
شماره مجوز: ۷۶۰/ک‌نش
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۲۹
@eternal_iran_community





نشر می مستقل دانشجوی «ایران جاودان»

@eternal_iran_community